

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا (س)
سال سی‌ام، دوره جدید، شماره ۲۵، پیاپی ۱۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹ / صفحات ۳۳۰-۳۱۷
مقاله علمی - پژوهشی

بازتاب باورها و نگرش‌های شیعی در تاریخ موصل ابوزکریا ازدی (۳۳۴ه)

حسین نظری پسیخانی^۲

معصومه علی پنجه^۳

یونس فرهمند^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۱

چکیده

بخش بازمانده از تاریخ موصل ابوزکریا ازدی (۳۳۴ه) افزون‌بر ذکر اخبار و وقایع محلی موصل و جزیره، حاوی گزارش‌هایی از خلفای متأخر اموی و یادکردهایی از علویان و امامان شیعه است. این مقاله بر این گزارش‌ها و یادکردها متمرکز شده تا بدین پرسش پاسخ دهد که باورها و نگرش‌های ازدی در تاریخ موصل چگونه بازتاب یافته و از کجا ریشه گرفته است. واکاوی گزارش‌ها و یادکردهای ازدی از علویان و امویان، از گرایش‌های شیعی نویسنده آن، پرده برمی‌دارد. سیمای مثبت علویان و سیمای منفی امویان از لابه‌لای گزارش‌های ازدی مشهود است. بزرگداشت امامان شیعه، از امام علی (ع) تا امام رضا (ع)، طبق سنت و باور شیعیان، همراه شده است با خوارداشت امویان. همچنین تشبیه امویان به آل فرعون در تاریخ موصل بازتاب و تکرار گفتمانی است که از سوی امامان شیعه و به‌ویژه امام سجاده (ع) و پس از واقعه عاشورا تبیین شده و از سوی شیعیان تبلیغ و رواج یافته بود. واژگان کلیدی: تاریخ موصل ازدی، گرایش‌های شیعی، علویان، امویان، آل فرعون.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HPH.2020.32330.1454

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: hosseinpazari51@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): panjeh@srbiau.ac.ir

۴. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: farahmand@srbiau.ac.ir

مقدمه

تاریخ موصل نوشته ابوزکریا ازدی (د. ۳۳۴هـ) یکی از کهن‌ترین گاه‌نگاری‌های محلی ناحیه جزیره (بین‌النهرین شمالی) است که در اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم هجری به رشته تحریر درآمده است. در تاریخ موصل افزون بر گزارش رویدادهای محلی موصل و جزیره، از تاریخ عمومی خلافت‌های اموی و عباسی نیز یاد شده است. رویدادهای سی سال پایانی خلافت اموی و نود سال نخست خلافت عباسی در این کتاب بازتاب یافته و آن را به یکی از منابع مهم تاریخ اسلام در سده دوم و دهه‌های نخست سده سوم هجری تبدیل کرده است. تاریخ موصل همچون بسیاری از تواریخ سنتی اسلامی، تاریخی نقلی است و سرتاسر آن ذکر اخبار، وقایع و وفیات است. با این‌همه در لابه‌لای همین نقل‌ها و روایت‌ها می‌توان به رگه‌ها و نشانه‌هایی از نگرش‌ها و باورهای نویسنده آن دست یافت. نه در خود بخش بازمانده تاریخ موصل و نه در منابع کهن و مطالعات نوین اشاره‌ای به مذهب ازدی و این احتمال که او شیعه بوده، نشده است. با این‌همه در تاریخ موصل شواهد و نشانه‌هایی است که احتمال شیعه‌بودن وی را تقویت می‌کند. در این مقاله روایت‌هایی از ازدی که در آن از علویان و امویان یاد شده بررسی خواهد شد تا بدین پرسش پاسخ داده شود که باورها و نگرش‌های وی در تاریخ موصل چگونه بازتاب یافته و از کجا ریشه گرفته است. فرضیه مقاله این است که تصویر کلان ارائه شده از علویان و امویان در تاریخ‌نگاری ابوزکریا ازدی متأثر از آموزه‌ها و نگرش‌های شیعی است.

روش و رویکرد این مقاله تفسیری انتقادی است.^۱ بدین صورت که با واکاوی و تحلیل متن، واژه‌ها، تعابیر و روایت‌ها، نخست از چگونگی بازنمایی سیمای علویان و امویان در تاریخ موصل پرده برمی‌دارد. سپس با پی‌جویی این تعابیر و روایت‌ها در منابع دیگر، روشن می‌کند که این بازنمایی متأثر از گفتمان رایج شیعی در سده‌های نخست اسلامی است.

پیشینه تحقیق

درباره و برپایه تاریخ موصل تاکنون چندین مقاله نگاشته شده است. این مقالات هر یک از جنبه‌ای به تاریخ موصل پرداخته و روایت‌های آن را کاویده‌اند.^۲ از میان این مقالات تنها مقاله

۱. برای آشنایی با این روش و رویکرد (نک: جمشیدی و صیامیان گرجی ۱۳۹۱: ۳۱-۲۵).

۲. مصحح کتاب، علی حبیبی، در مقاله «من الاتجاهات العاطفیه فی تاریخ الموصل» به گرایش‌های قبیله‌ای ابوزکریا ازدی پرداخته و شواهد و نمونه‌هایی بسیاری از بزرگنمایی‌ها و جانبداری‌های وی از قبایل یمنی به دست داده است. پل ج. فوراند در مقاله «والیان موصل بر پایه تاریخ موصل ازدی» سیاه‌های از والیان موصل و

مها سعید حمید عنوان «صورة بنی امیه عند الازدی فی کتابة تاریخ الموصل»^۱ با بخشی از مقاله حاضر در پیوند است. نویسنده در این مقاله که بیشتر توصیفی است تا تحلیلی، گزارش‌ها و وصف‌های ازدی درباره خلفای متأخر اموی از عمر بن عبدالعزیز تا مروان بن محمد را تک به تک آورده و نتیجه گرفته است که تصویر ازدی از امویان سلبی بوده نه ایجابی. این استنتاج درست است، اما تحلیل و ریشه‌یابی وی در این باره نادرست است. او این تصویرسازی منفی را ناشی از جانبداری سیاسی ازدی از عباسیان و اعتماد او به روایانی می‌داند که در این دوره می‌زیستند و متأثر از ادبیات خصمانه عباسیان علیه امویان بودند. در مقاله حاضر این دیدگاه نقد و رد می‌شود و نشان داده خواهد شد که ازدی متمایل به عباسیان نبود و تصویر منفی امویان در کتاب تاریخ موصل ریشه در باورها و گرایش‌های شیعی دارد.

درباره ازدی و تاریخ موصل

از ابوزکریا یزید بن محمد بن ایاس بن قاسم ازدی موصلی (د. ۳۳۴هـ) در منابع کمتر سخن رفته است.^۲ روشن است که از قبيلة آزد بوده و در موصل می‌زیسته و از استادانی چند استماع حدیث کرده است. شیخ الحافظ، قاضی و امام، القابی است (ذهبی، ۱۳۷۴ق: ۱۰۳/۳؛ سمعانی،

عملکرد آنها با تکیه بر گزارش‌های ازدی ارائه کرده است. فاروق عمر فوزی نیز با تکیه بر تاریخ موصل در مقاله «من تاریخ المدن العربیه: لمحات من تاریخ الموصل فی العصر العباسی (۱۳۲/۷۴۹م-۲۰۰/۸۱۵م)» به رویدادهای موصل در این دوره و سیاست‌های عباسیان در این شهر پرداخته است. همچنین یوسف جرجیس الطوننی در مقاله «ملاحظات علی تاریخ الموصل لابی زکریا الازدی» نکته‌ها و نقدهایی درباره تصحیح علی حبیبه از تاریخ موصل مطرح کرده است. حامد عبدالجبار نیز در مقاله «الفکر العمرانی عند الازدی من خلال کتابه (تاریخ الموصل)» شهرسازی و معماری موصل را بررسی کرده است. ازدی از دو تاریخ عمومی پیش از خود یعنی تاریخ خلیفه بن خیاط و تاریخ طبری بهره بسیاری برده است. این موضوع دست‌مایه دو مقاله بوده است: چس. ف. رابینسون در مقاله «دین یک مورخ محلی به طبری: مورد تاریخ موصل ازدی» به بررسی روایت‌هایی پرداخته که ازدی از طریق طبری نقل کرده است؛ میسون دنون عبدالرزاق العباچی نیز در مقاله «التصحیف و التحریف فی کتاب تاریخ الموصل لابی زکریا الازدی (روایات خلیفه بن خیاط)» با مقایسه روایت‌های منقول ازدی از خلیفه بن خیاط با کتاب وی یعنی تاریخ خلیفه بن خیاط، نادرستی‌های راه‌یافته به تاریخ موصل در املا و ضبط کلمات و اعلام را فهرست کرده است. افزون بر این مقالات تحقیقی دو مدخل دانشنامه‌ای نیز درباره ازدی نگاشته شده است: مدخل «ازدی» نوشته فرانتس روزنتال در ویرایش دوم دایره‌المعارف اسلام و مدخل «ازدی» نوشته عزت ملا ابراهیمی در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (برای مشخصات کامل این مقالات به بخش کتاب‌شناخت نگاه کنید).

۱. دراسات موصلیه، العدد ۴۹، ۱۴۳۹ق/۲۰۱۸م: ۶۴-۴۵.

۲. درباره زندگی و آثار ازدی نک: حبیبه، ۱۳۸۷ق: ۱۸-۱۳؛ ملا ابراهیمی، ۱۳۷۰ش: ۳۵/۸؛ Rosental, "Azdi", 1960: I/813.

۳۲۰ / بازتاب باورها و نگرش‌های شیعی در تاریخ موصل ابوزکریا آزدی ... / حسین نظری پسیخانی و ...

۱۳۸۲ق: ۱۲/۱۰) که به آزدی داده شده و از این روی می‌توان گفت که وی جایگاه علمی و شغلی ممتازی داشته، استاد و محدثی سرشناس بوده و منصب قضا را در اختیار داشته است. برای آزدی سه کتاب نام برده شده: یکی *تاریخ موصل*؛ دیگری *کتاب طبقات المحدثین* (آزدی، ۱۳۸۷ق: ۳۰۱) که گاه به نام *طبقات العلماء بالموصل* (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۲/۱۰) نیز خوانده شده و امروزه در دسترس نیست؛ سه دیگر، *القبائل و الخطط* است که وی در *تاریخ موصل* از آن نیز یاد کرده (آزدی، ۱۳۸۷ق: ۹۶)، اما در منابع و آثار کتاب‌شناختی ذکری از آن به میان نیامده است.

از *تاریخ موصل* یا *تاریخ و اخبار الموصل* (سخاوی، ۱۴۰۷ق: ۲۷۰) تنها یک نسخه در کتابخانه چستربیتی^۱ شناخته شده و در دسترس است که مبنای تصحیح علی حبیبه قرار گرفته است (قاهره، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م).^۲ این نسخه جزء دوم *تاریخ موصل* است که مشتمل بر گزارش سال‌شمار سال‌های ۱۰۱ تا ۲۲۴ هجری است.^۳ آزدی یک صد سال پس از آخرین سالی که در این نسخه آمده در ۳۳۴ هجری درگذشته است. جزء اول از صدر اسلام تا سال ۱۰۱ هجری را در برمی‌گرفته و جزء سوم شامل رویدادهای سال ۲۲۴ تا دوره مؤلف بوده است. بنابر شیوه سال‌شمارانه آزدی رویدادهای هر سال را ذیل آن سال می‌آورد، حتی اگر رویدادی در چند سال تداوم داشته باشد و در یک سال پایان نپذیرد، گزارش آن رویداد را جدا جدا می‌آورد. مثلاً شورش‌های دیرپای ابوحمزه خارجی و بابک خرم‌دین را در سال‌های متمادی می‌آورد. ابوزکریا رویدادهای هر سال را گاه با ذکر اخباری عمومی از جهان اسلام و گاه با ذکر خبری از موصل آغاز می‌کند. در انتهای هر سال نیز به ذکر وفیات علما و مشاهیر می‌پردازد و همچنین والیان موصل، امیران حج و گاه قاضیان و عاملان خراج آن شهر را برمی‌شمارد.

علویان در تاریخ موصل

آزدی در کتاب خود بارها از علویان، هم حسینیان و هم حسینیان، یاد کرده است. قیام‌های

1. Chester Beatty.

۲. در این تصحیح اشکالاتی راه یافته که یوسف جرجیس الطوننی در مقاله «ملاحظات علی تاریخ الموصل لابی زکریا الازدی» (طوننی، ۱۴۲۰ق) به ۱۸ مورد از آنها پرداخته است. در سال ۱۴۲۷ق احمد عبدالله محمود تصحیحی دیگر از *تاریخ موصل* منتشر کرد (بیروت: دارالکتب العلمیه) و با مراجعه به دیگر متون تاریخی چون *تاریخ طبری*، *المنتظم ابن جوزی* و *الکامل ابن اثیر*، رویدادهای سال‌های ۱۶ تا ۱۰۰ هجری و ۲۲۴ تا ۳۳۴ هجری (سال مرگ مؤلف) را بدان افزود. این تصحیح هیچ نوع برتری به تصحیح علی حبیبه ندارد و افزوده‌های مصحح از منابع دیگر نیز برای محققان خالی از فایده است، چراکه هیچ ارتباطی با اجزاء مفقود *تاریخ موصل* ندارد.

۳. آزدی حوادث سال‌های ۱۲۴ و ۱۵۲ هجری را نوشته و اینکه چرا به این دو سال توجه نکرده مشخص نیست.

حسینان، قیام محمد نفس زکیه و برادرش ابراهیم، در سال ۱۴۵هـ علیه عباسیان در تاریخ موصل به تفصیل گزارش شده است (همان: ۱۸۱). گزارش وی از این رویارویی بی‌طرفانه است و گزاره‌ای مبنی بر جانبداری از حسینان در آن دیده نمی‌شود. همچنین پس از ذکر نام علویان حسنی تعبیر «علیه/علیهم‌السلام» آورده نشده است.

برخلاف علویان حسنی تمایل و علاقهٔ ابوزکریای ازدی به علویان حسینی روشن و آشکار است. با اینکه علویان حسینی نه در قدرت بوده‌اند که یادکرد از آنان ضرورت داشته باشد و نه پیوندی با شهر موصل داشته‌اند، در تاریخ موصل بارها از آنها یاد شده است. البته این یادکردها کوتاه و بیشتر به هنگام ذکر وفات ایشان است. بنابر سنت و باور شیعیان، در سرتاسر کتاب هرگاه نامی و یادی از امام علی (ع) و فرزندان و اعقابش از نسل امام حسین (ع) آمده، با تعبیر علیه‌السلام، علیهم‌السلام، صلوات‌الله علیهم همراه است.^۱ مثلاً ذیل اخبار سال ۱۱۷هـ آورده: «و فیها توفیت فاطمه بنت علی و سکینه بنت الحسین علیهم‌السلام و فیها مات ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین صلوات‌الله علیهم و علی آبائهم» (همان: ۳۸) یا ذیل سال ۱۴۸هـ می‌آورد: «و فیها مات... ابو عبدالله جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی علیهم‌السلام» (همان: ۲۱۱) یا ذیل سال ۲۲۰هـ آورده: «و فیها مات محمد بن علی الرضابن موسی، علیه‌السلام، و علی آبائه الظاهرین». پایبندی او به ذکر این تعبیر آن اندازه است که در متن خطبهٔ ابو حمزه خارجی نیز پس از ذکر نام علی بن ابی‌طالب عبارت علیه‌السلام را افزوده است (همان: ۱۰۴) در حالی که در منابع دیگر که متن خطبه را گزارش کرده‌اند، این تعبیر وجود ندارد (جاحظ، ۲۰۰۲م: ۸۴/۲؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۸ق: ۲۷۱/۲؛ ابن عبدربه، ۱۴۰۴ق: ۲۳۰/۴).

نشانه‌هایی دیگر نیز در تاریخ موصل موجود است که بازتاب گرایش‌ها و باورهای شیعی ازدی است. از جمله در جایی (ذیل سال ۱۲۶هـ) در ذکر خلیفهٔ اموی یزید بن ولید به نقل از هیشم بن عمران آورده است که یزید بن ولید در کعبه به دنیا آمده است. ازدی با رد این ادعا همچون شیعه‌ای باورمند تأکید می‌کند: «لم یولد فیها خلیفه غیر امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام» (ازدی، ۱۳۸۷ق: ۵۸). بسیاری از علمای بزرگ شیعه بر همین دیدگاه هستند که تنها کسی که در کعبه زاد شده، علی بن ابی‌طالب (ع) است (نک: امینی، ۱۴۱۶ق: ۳۹/۶-۳۸). در جایی دیگر ذیل سال ۱۳۳هـ زمانی که از عبیدالله بن زیاد نام می‌برد، همچون شیعیان او و یارانش را به باد نفرین می‌گیرد و لعنت خدا را شامل حال او می‌کند (ازدی، ۱۳۸۷ق: ۱۴۱).

ازدی چند جایی که فرصت می‌یابد رویدادهای مهم تاریخ شیعه را فرا یاد خواننده می‌آورد که اساساً مربوط به گذشته‌ای خارج از دورهٔ تاریخی بحث مقاله است. در یک‌جا در ذکر

۱. تنها امامی که از او در تاریخ موصل هیچ یادی نشده است، امام موسی کاظم (ع) است.

سال‌روز تولد عمر بن عبدالعزیز می‌آورد: «و کان مولد عمر الاموی سنه احدى و ستین وقت قتل الحسين بن علی علیه السلام» (ازدی، ۱۳۸۷ق: ۵). در جایی دیگر در ذیل اخبار سال ۱۱۸ هجری می‌آورد: «فیها توفی ابو محمد علی بن عبدالله بن العباس بالحمیمه و له ثمان و سبعون سنه، فی ذی القعدة، و کان مولده، فیما ذکرُوا، فی اللیلة التي اصیب فیها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام» (همان: ۳۹). روشن است که از نظر ثبت و ضبط تاریخی همین که گفته شود عمر بن عبدالعزیز در سال ۶۱ هجری و علی بن عبدالله بن عباس در سال ۴۰ هجری زاده شده‌اند، کفایت می‌کند. یادآوری رویداد شهادت این دو امام در کنار آن دو زادروز نشان از اهمیت موضوع در ذهن ازدی دارد. بیراه نیست حتی اگر گفته شود مورخ در پی برقراری ارتباطی معنادار میان این دو رویداد است، اینکه چه کسانی بعدها مقام و جای آن دو امام را گرفته‌اند.

یادکردهای ازدی از امامان شیعه در تاریخ موصل، به جز یک بار که در ادامه خواهد آمد، متضمن کنش‌ها و رفتارهای سیاسی یا اجتماعی آنها نیست تا بتوان ارزیابی کرد که آیا روایت وی جانبدارانه بوده یا بی‌طرفانه. اما از واکاوی این اشاره‌ها و کنایه‌ها که در بالا آمد و آنچه که در ادامه درباره بنی‌امیه خواهد آمد، می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ‌نگاری ازدی به شدت متأثر از باورها و نگرش‌های شیعی بوده است و وی در کشمکش امویان و علویان بدون شک، در جناح علویان خواهد ایستاد و جانب آنها را خواهد گرفت. البته روشن است که در تاریخ‌نگاری، یک روایت می‌تواند معتبر باشد بدون اینکه بی‌طرفانه باشد.^۱

امویان: آل فرعون

در جزء بازمانده از تاریخ موصل ۳۱ سال پایانی دوره امویان (۱۳۲-۱۰۱ هجری) روایت شده است. اگرچه ۶۰ سال نخست دوره اموی در نسخه موجود در دسترس نیست، با مطالعه همین بخش بازمانده می‌توان از داوری ازدی درباره امویان آگاه شد. در تاریخ موصل در سه جا بنی‌امیه به «آل فرعون» تشبیه شده‌اند: ذیل سال ۱۰۱ هجری و در ذکر وفات عمر بن عبدالعزیز، نخست به نقل از محمد بن کعب قُرظی (د. ۱۰۸ هجری) از پیامبر (ص) حدیثی می‌آورد که «رسول الله (ص) لعنت فرستاد بر حَکَم و فرزندان‌ش جز صالحان آنکه آن هم کم است» و در ادامه به نقل از قیس بن جبیر نَهْشَلی در وصف عمر بن عبدالعزیز می‌افزاید: «در میان بنی‌امیه همچون مؤمن آل فرعون است» (همان: ۴). همچنین ذیل سال ۱۲۶ هجری و در ذکر دوره ولید بن یزید بن عبدالملک حدیثی از پیامبر (ص) آورده که در آن ایشان از انتخاب نام ولید برای نوزادی منع کرده است، چراکه نام فرعون است و پیش‌بینی کرده که «در امت من مردی به نام ولید خواهد بود که برای امت من

۱. درباره بی‌طرفی مورخ (نک: مکالا، ۱۳۸۷ش: ۲۳۷ به بعد)

بدتر از فرعون برای قوم خودش است» (همان: ۵۶).^۱

در جایی دیگر نیز ذیل خبرهای سال ۱۶۸ هـ گفت‌وگوی جدّ محمد بن المعافی بن طاوس را با والی موصل هرثمه بن اعین نقل می‌کند. «جدم بر هرثمه والی موصل^۲ وارد شد و به او گفت: ای شیخ چند سال داری؟ گفت: پنج تن از ائمه بنی‌امیه را درک کردم. پس به او گفت: ای شیخ نزد تو بنی‌امیه امام‌اند؟ در دستش عمودی آهنی بود آن را سرو ته کرد، گفت: مرگ را دیدم پس گفتم: امامانی که دعوت به دوزخ می‌کنند و روز قیامت یاری نخواهند شد (أئمة يدعون إلى النار و يوم القيامة لا ينصرون) گفت: پس از او دور شدم درحالی‌که چهره‌اش دگرگون شده بود» (همان: ۲۵۲). این آیه ۴۱ سوره قصص که راوی در توصیف بنی‌امیه آورده، در قرآن در وصف فرعون و فرعونیان نازل شده است.

ریشه‌یابی تشبیه بنی‌امیه به آل فرعون ما را به واقعه کربلا/عاشورا می‌رساند. بنابر روایت امام حسین (ع) در روز عاشورا یکی از یاران خود ژهیر بن قین بجللی را به مؤمن آل فرعون تشبیه کرد (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۲۷/۵). ژهیر پیش از واقعه کربلا از هوداران عثمان (عثمانیه) و در جبهه مخالفان شیعه بود، با این‌همه در راه کوفه به لشکر امام حسین (ع) پیوست و در روز عاشورا چند بار برای موعظه به سوی لشکر بنی‌امیه رفت. در بار آخر درحالی‌که مشغول موعظه بود، یکی از یاران امام به سوی او آمد و گفت: «ابوعبدالله می‌گوید بیا، به دینم قسم، اگر مؤمن آل فرعون قوم خویش را اندرز گفت و کار دعوت را به کمال برد تو نیز این قوم را اندرز گفتی و به کمال بردی، اگر اندرز و بلاغ سودمند افتد.» (همان: ۴۲۷/۵). روشن است که امام حسین (ع) در اینجا بنی‌امیه را به آل فرعون تشبیه کرده است، اما آن کسی که این تشبیه را تبیین و تبلیغ کرد و به گفتمانی در میان شیعه بدل کرد، فرزند وی امام سجاد (ع) و شیعیان معاصر و پس از وی بودند.

هم در منابع سنی و هم در منابع شیعی روایتی نقل شده که در آن علی بن حسین، امام سجاد (ع)، از این تشبیه بهره برده و آن را تبیین کرده است. راوی، منهل بن عمرو اسدی، آورده است: «علی بن حسین زین العابدین (ع) را دیدم و از او پرسیدم: چگونه صبح کردی؟ (در روایت ابن‌اعثم: چگونه شب کردی؟). امام پاسخ داد: گمان نمی‌کردم پیری چون تو نداند که ما چگونه صبح کرده‌ایم! ما در میان قوم خود به گونه‌ای صبح کردیم که بنی‌اسرائیل در میان آل فرعون

۱. اگرچه این حدیث در بیشتر منابع به نقل از عمر بن خطاب ذکر شده، در برخی از منابع اهل سنت در زمره احادیث جعلی آمده است نک: (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۱/ ۲۴۵-۲۴۴ ذیل عنوان باب النهی عن التسمیة الولید).

۲. هرثمه هیچگاه خود مستقیماً در موصل حکومت نکرد، بلکه در فاصله سال‌های ۱۸۲ تا ۱۸۶ هجری کسانیه به نیابت از او به امارت موصل رسیدند (Forand, 1969: 98).

صبح می‌کردند که پسران آنها را می‌کشتند و زن‌ها را زنده می‌گذاشتند» (ابن‌سعد، ۱۳۷۴ ش: ۳۳۵/۵؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق: ۱۳۳/۵؛ سیدبن طاووس، ۱۳۷۸ش: ۲۲۹) در روایت‌های شیعی محل این دیدار بازار دمشق ذکر شده و از این‌روی روشن است که این دیدار پس از واقعه کربلا و در دوران حضور امام سجاد(ع) در شام صورت گرفته است. زمانی که امویان مردان و پسران علویان را به شهادت رسانده و زنان ایشان به اسارات گرفته بودند. در روایت آشکارا نام بنی‌امیه نیامده، اما کیست که نداند مراد امام از آل‌فرعون، بنی‌امیه است.

آل‌فرعون چه ویژگی‌ای داشتند که از نظر امام سجاد(ع) بنی‌امیه شبیه آنها بودند؟ از «آل‌فرعون»، خویشاوندان، پیروان و لشکریان فرعون، در قرآن ۱۳ بار یاد شده و از کفر، تکذیب، جهل و نادانی، استکبار و تبهکاری، پیمان‌شکنی، ستم‌گری، شکنجه‌گری و در نهایت، عذاب آنان در دنیا، برزخ و آخرت سخن رفته است. در قرآن و فرهنگ اسلامی «فرعون» به حاکم مصر در زمان حضرت موسی اشاره دارد که نماد تکبر، خودخواهی و سرکشی در برابر خدا، کاخ‌سازی و خوش‌نشینی بود. کشتار پسران و زنده نگه‌داشتن زنان، سخت‌ترین شکنجه آل‌فرعون در حق بنی‌اسرائیل بود (خوش‌منش، ۱۳۸۵ش: ۱/ ۱۴۴-۱۳۳). در میان آل‌فرعون هم یک تن مؤمن بود: «رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ» (غافر/۲۸).

در یادکرد از خلیفه پرهیزکار و مصلح اموی عمر بن عبدالعزیز (حک ۱۰۱-۹۹ه) نیز این تشبیه خدشه‌دار نشد، چراکه او همچون مؤمن آل‌فرعون بود (ازدی، ۱۳۸۷ق: ۴) حتی این مؤمن بنی‌امیه نیز از نظر ازدی شایسته حکومت‌داری نیست، چراکه خلافتش نامشروع است. این معنا را از روایتی که از دیدار عمر بن عبدالعزیز با ابوجعفر محمد بن علی علیه‌السلام (امام باقر) با همراهی ژراره بن اعین (د. ۱۵۰ه) به دست داده، می‌توان دریافت. بنابراین روایت، امام از عمر پرسید: «آیا این جایگاه که در آن نشسته‌ای از رسول‌الله (ص) به تو ارث رسیده است؟ گفت: نه، گفت: آیا از راه وصیت او بدان رسیده‌ای؟ گفت: نه، گفت: آیا با اجماع مسلمانان یا کسی به این ولایت رسیده‌ای؟ گفت: نه. پس چون ابوجعفر برخاست، ژراره از او پرسید درباره او چه می‌گویی؟ گفت: او از قبلی بهتر است و فلانی از او بهتر!» (همان: ۵). درخور توجه است که ازدی از گفت‌وگوی طولانی امام با خلیفه اموی تنها همین بخش را مهم یافته و نقل کرده است.^۱

امام سجاد (ع) با زبان تشبیه و کنایه بدون اشاره مستقیم، با ارجاع‌شنونده به رفتار آل‌فرعون با بنی‌اسرائیل در قرآن، دیدگاه خود و خاندانش را درباره بنی‌امیه تبیین کرد. این تشبیه

۱. درباره رابطه امام باقر(ع) با عمر بن عبدالعزیز و دیدگاه امام درباره وی (نک: دیلمی، ۱۳۸۶ش: ۵۹-۵۷ و ۵۵-

در نیمه دوم سده نخست هجری در محافل شیعی پذیرفته شد و رواج یافت؛ ابن سعد شبیه همین روایت را از محمدبن حنفیه نیز نقل کرده است (ابن سعد، ۱۳۷۴ش: ۲۱۳/۵). در طی سده دوم تا اوایل سده چهارم هجری، زمانی که ازدی در حال نگارش تاریخ موصل بود هنوز این گفتمان در ذهن و زبان شیعیان زنده مانده بود و در برهه‌هایی یادآوری می‌شد.

نتیجه

به‌رغم آنکه بخش‌های زیادی از تاریخ موصل از دست رفته و از این‌روی داوری درباره باورها و نگرش‌های نویسنده آن، ابوزکریای ازدی، دشوار است، از واکاوی و پی‌جویی روایت‌های بازمانده می‌توان به دیدگاه‌های وی درباره رجال، خاندان‌ها و رویدادهای دوره متأخر اموی و عصر نخستین عباسی دست یافت. واکاوی و پی‌جویی چگونگی بازنمایی سیمای علویان و امویان در تاریخ موصل خواننده را مجاب می‌کند که ازدی حتی اگر شیعه نبوده باشد، بسیار متأثر از آموزه‌ها و باورهای شیعی است. وی هرگاه فرصت یافته همچون یک شیعه راست‌کیش و باورمند از نام و یاد امامان شیعه به نیکی و بزرگی یاد کرده است. سیمای منفی و تاریک امویان در تاریخ موصل نیز متأثر از نگرش‌های شیعیان به این خاندان است. گفتمان تشبیه بنی‌امیه به آل فرعون که از سوی امامان شیعه و به‌ویژه امام سجاد(ع) و پس از واقعه عاشورا و در محیط‌های شیعی رواج یافته بوده در تاریخ موصل بازتاب یافته و تکرار شده است.

کتاب‌شناخت

ابن اعثم، ابومحمد احمد (۱۴۱۱ق) الفتوح، به‌کوشش علی شیری، بیروت: دارالأضواء.
ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۴۱۸ق) الموضوعات من الأحادیث المرفوعات، به‌کوشش نورالدین بن شکر بن علی بویاجیلار، ریاض: مکتبه اضاء السلف.
ابن سعد، محمد بن سعد کاتب واقدی (۱۳۷۴ش) الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۴۰۴ق) العقد الفرید، به‌کوشش مفید محمد قمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۸ق) عیون الأخبار، به‌کوشش یوسف علی طویل، بیروت: دارالکتب العلمیه.
امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق) الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
ازدی، ابوزکریا یزید بن محمد (۱۳۸۷ق) تاریخ الموصل، به‌کوشش علی حبیبه، قاهره: لجنة احياء التراث الاسلامی.

۳۲۶ / بازتاب باورها و نگرش‌های شیعی در تاریخ موصل ابوزکریا آزدی ... / حسین نظری پسیخانی و ...

- _____ (۱۴۲۷ق) تاریخ الموصل، به کوشش محمود احمد عبدالله، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر (۲۰۰۲م) *البيان و التبیین*، به کوشش علی ابوملحم، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- جمشیدی، فرانک و زهیر صیامیان گرجی (۱۳۹۱ش) «جدال میان روایت و واقعیت در تاریخ‌نگاری»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۷۰.
- حبیبه، علی (۱۹۷۰م) «من الاتجاهات العاطفیه فی تاریخ الموصل»، *مجله کليه دارالعلوم، جامعه القاهرة*، العدد ۲.
- خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۵ش) «آل فرعون»، اعلام القرآن از *دائرة المعارف قرآن کریم*، تهیه و تدوین مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم: بوستان کتاب.
- دیلمی، احمد (۱۳۸۶ش) «شخصیت و عملکرد عمر بن عبدالعزیز و دیدگاه امام باقر علیه‌السلام درباره او»، *تاریخ اسلام*، سال ۸، شماره ۴۵.
- ذنون، میسون، عبدالرزاق العیابی (۱۴۴۰ق) «التصحیف و التحریف فی کتاب تاریخ الموصل لأبی زکریا الازدی (روایات خلیفه بن خیاط) *دراسات موصلیه*، العدد ۵۳، ۱۴۴۰ق / ۲۰۱۹م.
- ذهبی، شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۷۴ق) *تذکره الحفاظ*، به کوشش عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد: *دائرة المعارف العثمانیه*.
- سخاوی، شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن (۱۴۰۷ق) *الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ*، به کوشش صالح احمد العلی، بیروت: مؤسسه الرساله.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۲ق) *الانساب*، حیدرآباد: *دائرة المعارف العثمانیه*.
- سید بن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۸ش) *اللهورف فی قتلی الطفوف*، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: نشر نوید اسلام.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری (۱۳۷۵ش) *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- الطونی، یوسف جرجیس (۲۰۰۰م) «ملاحظات علی تاریخ الموصل لأبی زکریا الازدی»، *مجله المورد*، العدد ۲.
- عبدالجبار، حامد (۲۰۰۷م) «الفکر العمرانی عند الازدی من خلال کتابه (تاریخ الموصل)»، *مجله آداب الرفادین*، العدد ۴۵.
- فوزی، فاروق عمر (۱۳۹۴ق) «من تاریخ المدن العربیه: لمحات من تاریخ الموصل فی العصر العباسی»، *مجله آداب الرفادین*، العدد ۶.
- مکالا، سی. بی.ین (۱۳۸۷ش) *بنیادهای علم تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نی.
- ملا ابراهیمی، عزت (۱۳۷۰ش) «ازدی»، *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۸، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- مها، سعید حمید (۱۴۳۹ق) «صورة بنی امیه عند الازدی فی کتابه تاریخ الموصل» *دراسات موصلیه*، العدد ۴۹.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۹ / ۳۲۷

Forand, Paul G. (Jan. - Mar., 1969), "The Governors of Mosul According to Al-Azdī's Ta'riḫ al-Mawṣil", *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 89, No. 1, 88-105.

Robinson, Chase F. (Oct. - Dec., 2006), "A Local Historian's Debt to al-Ṭabarī: The Case of al-Azdī's Ta'riḫ al-Mawṣil", *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 126, No. 4, pp. 521-535.

Rosenthal, F. (1960), "al-Azdī", *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition(EI2), Liden, Brill.

List of sources with English handwriting

Persian and Arabic Sources

- Amīnī, ‘Abd al-Ḥosayn (1416), *Al-Ġadīr fī al-Kitāb va al-Sana va al-Adab*, Qom: Markaz al-Ġadīr lil Dirāsāt al-Eslāmīyya.
- Azdī, Abū Zakarīā Yazīd b. Moḥammad (1387), *Tārīk al-Mūsīl*, edited by ‘Alī Ḥabība, Cairo: Lijana Ehyā al-Torāt al-Eslāmī.
- Azdī, Abū Zakarīā Yazīd b. Moḥammad (1427), *Tārīk al-Mūsīl*, edited by Maḥmūd Aḥmad ‘Abdallāh, Beirut: Dār al-Kotob al-‘Elmīyya. Ebn ‘Abd Raba, Aḥmad b. Moḥammad (1404), *Al-‘Eqd al-Farīd*, edited by Mofīd Moḥammad Qamīha, Beirut: Dār Al- Kotob al-‘Elmīyya.
- ‘Abd al-Ḥabbār, Hāmid (2007), “Al-Fikr al-‘Omrānī ‘End al-Azdī min kīlāl Kitāba (Tārīk al-Mūsīl)”, *Majāla Ādāb al-Rāfīdīn*, No. 45.
- Dailamī, Aḥmad (1386 Š.), “Šakṣīāt va ‘Amalkard-e ‘Omar b. ‘Abd al-Azīz va Dīdgāh-e Emām Bāqir (pbuh) darbāra-ye Ou”, *Tārīk-e Eslām*, 8, No. 31, pp. 45-70. [In Persian]
- Ebn A‘ṭam, Abū Moḥammad Aḥmad (1411), *Kitāb al-Fotūḥ*, edited by ‘Alī Šīrī, Beirut: Dār al- Azvā.
- Ebn Jozi, Abulfaraj ‘Abd al-Raḥmān (1418), *Kitāb al- Mozū‘āt min al-Aḥādīṭ al-Marfū‘āt*, edited by Nūr al-Dīn b. Šokrī b. ‘Alī Būyājīlār, Riadh: Maktaba Azvā al-Salaf.
- Ebn Qotayba Dīnavarī, Abu Moḥammad ‘Abdallāh b. Moslim (1418), *Oyūn al-Aḳbār*, edited by Yūsuf ‘Alī Tāvīl, Beirut: Dār Al- Kotob al-‘Elmīyya.
- Ebn Sa‘d, Moḥammad b. Sa‘d Kātib Vaqīdī (1374 Š.), *Al-Ṭabaqāt al-Kobrā*, translated by Maḥmūd Maḥdavi Dāmḡānī, Tehran: Farhang va Andīša. [In Persian]
- Fawzī, Fārūq ‘Omar (1394), “Min Tārīk al-Modon al-‘Arabīyya: Lomaḥāt min Tārīk al-Mūsīl fī al-‘Aṣr al-‘Abbāsī”, *Majāla Ādāb al-Rāfīdīn*, No. 6.
- Ḥabība, ‘Alī (1970), “Min al-Etīḡāḡāt al-‘Atīfīyya fī Tārīk al-Mūsīl”, *Majāla Kolīyya Dār al-‘Olūm (Jāmi‘a Al-Qāhira)*, No. 2.
- Jāhīz, Abū ‘Oṭmān ‘Amro b. Bahr (2002), *Al-Bayān va al-Tabīn*, edited by ‘Alī Abū Moḥlim, Beirut: Dār va Maktaba al-Hilāf va al- Tal.
- Jamšīdī, Farānak; Zohair Šāmīān Gorjī (1391 Š.), “Jīdāl Mīān-e Rivāyat va Vāqē‘īyyat dar Tārīknīgārī”, *Kītāb-e Māh Tārīk va Joḡrāfīā*, No. 170. [In Persian]
- košmanīš, Abulfāzīl (1385 Š.), “Āl-e Fir‘on”, *A‘lām al-Qorān az Daerat al-Ma‘ārif-e Qorān-e Karīm*, Markaz-e Farhang va Ma‘ārif-e Qorān. Qom: Būstān-e Kītāb. [In Persian]
- Mahā, Sa‘īd Aḥmad (1439), “Šūrat Banī Omayya end al-Azdī fī Kitāba Tārīk Al-Mūsīl”, *Dirāsāt Mūsīlīyya*, No. 49.
- Mollā Ebrāhīmī, ‘Ezzat (1370 Š.), “Azdī”, *Daerat al-Ma‘ārif Bozorg-e Eslāmī*, Vol. 8, Tehran: Markaz-e “, Daerat al-Ma‘ārif Bozorg-e Eslāmī.
- Saḳāvī, Šams al-Dīn Moḥammad b. Abd al-Raḥmān (1407), *Al-A‘lān bil Tawbīk li man zim Ahl al-Tārīk*, edited by Šālīḡ Aḥmad al-‘Alī, Beirut: Moassisa al-Risāla.
- Sam‘ānī, ‘Abd al-Karīm b. Moḥammad (1382), *Al-Ansāb*, Heydarabad: Daerat al-Ma‘ārif al-‘Oṭmānīyya.
- Sayyed b. Tāvūs, ‘Alī b. Mūsā (1378 Š.), *Al-Lohūf fī Qatlī al-Tofūf*, translated by ‘Abd al-Raḥīm ‘Aqīqī Baḳšāyešī, Qom: Našr-e Navīd-e Eslām. [In Persian]
- Ṭabarī, Abū Jāfar Moḥammad b. Jarīr (1375 Š.), *Tārīk-e Ṭabarī*, translated by Abu al-Qāsim Pāyāndeh, Tehran: Asāṭīr. [In Persian]
- Al-Ṭonī, Yūsuf Jīrjīs (2000), “Molāḡīzāt ‘alā Tārīk al-Mūsīl li Abi Zakarīā al-Azdī”, *Majāla al-Morid*, No. 2.
- Zāhbī, Šams al-Dīn Abu ‘Abdallāh Moḥammad b. Aḥmad (1374), *Tazkara al-Ḥifāz*, edited by ‘Abd al-Raḥmān b. Yaḡyā al-Mo‘alimī, Heydarabad: Daerat al-Ma‘ārif al-‘Oṭmānīyya.
- Zonnūn, Mīson; Abd al-Razāq al-‘Abāyī (1440), “Al-Tašḡīf va al-Tahrīf fī Kitāb Tārīk al-Mūsīl Li Abī Zakarīā Al-Azdī (Rivāyat kalīfa b. ḳayyāt)”, *Dirāsa Mūsīlīyya*, No. 53, pp. 1-34.

English Sources

- Forand, Paul G. (Jan. - Mar., 1969), "The Governors of Mosul According to Al-Azdī's *Ta'riḫ al-Mawṣil*", *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 89, No. 1, pp. 88-105.
- McCullagh, C. Behan (2003), *The Logic of History: Putting Postmodernism in Perspective*, Routledge.
- Robinson, Chase F. (Oct. - Dec., 2006), "A Local Historian's Debt to al-Ṭabarī: The Case of al-Azdī's *Ta'riḫ al-Mawṣil*", *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 126, No. 4, pp. 521-535.
- Rosenthal, F. (1960), "al-Azdī", *ET²*, Leiden, Brill.

Reflection of Shi'ite Beliefs and Attitudes in the *Tarīk al-Mūşel* by Abū Zakariya Azdī (d.334 AH.)¹

Hossein Nazari Pasikhani²
Masoumali Panjeh³
Yones Farahmand⁴

Received: 2020/07/25
Accepted: 2020/10/22

Abstract

The surviving part of the *Tarīk al-Mūşel* by abū Zakariya Azdī (d. 334 AH.), contains reports of the late Umayyad caliphs and notes from the 'Alids and Shi'ite Imams, in addition to mentioning local accounts and events in Mosul and the Jazīra (Northern Mesopotamia). This article focuses on these reports and remarks to answer the question of how Azdī's beliefs and attitudes were reflected in the *Tarīk al-Mūşel* and where did they originate? An analysis of Azdī's reports and memoirs of the Alids and Umayyads reveals the author's Shi'ite leanings. We can see the positive image of the 'Alids and the Umayyads' negative image through the Azdī reports. The Commemoration of Shi'ite Imams, from Imam 'Alī (A.S.) to Imam Rezā (A.S.), according to Shi'ite tradition and belief, has been accompanied by the disdain of the Umayyads. Also, the comparison of the Umayyads to the House of Pharaoh (*āl-e Fer'on*) in the *Tarīk al-Mūşel* is a reflection and repetition of the discourse that was explained by the Shi'ite Imams, especially Imam Sajjād (A.S.) after the event of 'Āşūrā', and was propagated by the Shi'ites.

Keywords: *Tarīk al-Mūşel* by Azdī, Shi'ite tendencies, 'Alids, Umayyads, The House of Pharaoh (*āl-e Fer'on*).

1. DOI: 10.22051/HPH.2020.32330.1454

2. PhD candidate in History & Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran ; hosseinpnazari51@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Science and Research Branch Tehran, Iran; (Corresponding Author) Email: panjeh@srbiau.ac.ir

4. Associate professor, Department of History & Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Science and Research Branch Tehran, Iran; farahmand@srbiau.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507